

تغییر دوباره یک رابطه

روابط هند و ایالات متحده همواره بر مدار توازنی ظریف میان ارزش‌های دموکراتیک مشترک و منافع ملی گاه وگاه در حرکت بوده است. اما لرزه‌های دیپلماتیک اخیر، دهلی‌نورا به این پرسش واداشته که آیا این مشارکت استراتژیک به نقطه عطفی تعیین‌کننده رسیده است؟

ریشه این نگرانی به رویکرد اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بازمی‌گردد. او در اقدامی که مقامات هندی آن را «خودنمایی ژئوپلیتیک» می‌خوانند، مدعی شد که با تهدیدهای تجاری، به درگیری‌های اخیر میان هند و پاکستان پایان داده است. این ادعا از دو جهت برای هند گزنده بود: نخست آنکه استقلال عمل دهلی‌نورا زیر سؤال می‌برد و دوم آنکه فاقد اعتبار بود. مقامات ارشد هند تأکید کرده‌اند که در بحبوحه درگیری‌ها هیچ تماسی از سوی ترامپ دریافت نکرده و هیچ‌گونه بحثی درباره تجارت دوجانبه مطرح نشده بود.

از دیدگاه هند، عامل اصلی فرونشاندن تنش‌ها نه فشارهای خارجی، بلکه راهبرد خود این کشور بود. پس از حمله تروریستی در خاک هند، دهلی‌نو با اجرای عملیات «سیندور»، پاسخی قاطع، سریع و حساب‌شده به پایگاه‌های تروریستی در خاک پاکستان داد. این عملیات یک اقدام تلافی‌جویانه علیه تروریست‌ها بود، نه آغاز جنگی تمام‌عیار. واکنش نهایی هند به ضدحملات پاکستان، که شامل یک مانور نظامی دقیق و بازدارنده بود، در کنار فشارهای احتمالی آمریکا بر اسلام‌آباد، پاکستان را به پذیرش آتش‌بس واداشت. در این میان، تلاش ترامپ برای مصادره این نتیجه به نفع خود، روایت استقلال و قاطعیت هند را به چالش می‌کشد؛ روایتی که دهلی‌نو به‌هیچ‌وجه حاضر به چشم‌پوشی از آن نیست.

این تنها اقدام نگران‌کننده ترامپ نبوده است. میزبانی او از فرمانده ارتش پاکستان - شخصیتی که در هند به عنوان یک ایدئولوگ تندرو شناخته می‌شود- بدون حضور رهبران غیرنظامی پاکستان، و همچنین رویکرد متناقض و نوسانی او در قبال چین، بر ابهامات افزوده است. ترامپ در حالی که روزی چین را با تعرفه‌های سنگین هدف قرار می‌دهد، روز دیگر از احتمال سفر به پکن سخن می‌گوید.

جایگاه هند در این محاسبات نامشخص است. پیش از این، آمریکا هند را شریکی حیاتی در منطقه هند-اقیانوسیه و سنگری دموکراتیک در برابر چین می‌دانست. هند نیز ضمن پایبندی به اصل «استقلال استراتژیک»، از حضور آمریکا در منطقه و احیای گروه چهار جانبه (کوآد) استقبال می‌کرد، چرا که خود با جاه‌طلبی‌های چین، از جمله تجاوزات مرزی، حمایت از پاکستان و تضعیف اکوسیستم صنعتی اش، مواجه است. با این حال، سکوت اخیر آمریکا در قبال کمک‌های اطلاعاتی چین به پاکستان در جریان درگیری‌های نظامی، تردیدها نسبت به قابل اتکا بودن واشنگتن را افزایش داده است.

علاوه بر این، ترامپ با وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر کالاهای هندی و تهدید به جریمه‌های بیشتر به دلیل خرید تجهیزات نظامی از روسیه، نشان داده که در استفاده از ابزار فشار تجاری حتی علیه شرکا تردید نمی‌کند. این رفتار دمدمی مزاج، اضطراب‌هایی استراتژیک هند را تشدید کرده و این کشور را در یک دوراهی کلیدی قرار داده است: آیا باید با اعتماد به حمایت آمریکا، از چین فاصله بگیرد یا با نگرانی از غیرقابل پیش‌بینی بودن واشنگتن، به تعاملی عمل‌گرایانه با پکن روی آورد؟

این وضعیت یک پرسش بنیادی‌تر را پیش می‌کشد: ارزش یک مشارکت استراتژیک که تابع امیال یک فردیت متورم است، چیست؟ هند دستپاچه نخواهد شد، اما ممکن است در سیاست خارجی خود «چرخش» کند. این کشور به دلیل نداشتن تعهدات پیمانی، فضای مانور بیشتری نسبت به متحدان رسمی آمریکا دارد و می‌تواند از آن برای بازتنظیم رویکردهای خود بهره گیرد. سفر اخیر وزیر خارجه هند به پکن، سیگنالی از تمایل به بازنگه داشتن کانال‌های ارتباطی با چین است.

در نهایت، به نظر می‌رسد هند ضمن حفظ روابط با آمریکا، بر اصل «اتکا به خود» تأکید بیشتری خواهد کرد. این امر می‌تواند به رابطه‌ای دوجانبه و معامله‌محور منجر شود که در آن، منافع عینی بر آرمان‌های مشترک اولویت می‌یابند. دکتربین سیاست خارجی هند همچنان بر پایه بازدارندگی، قاطعیت و عدم تحمل تروریسم استوار خواهد ماند، اما در ارتباط با آمریکا، دهلی‌نو به پیمون همان طناب باریک ادامه خواهد داد؛ با این آگاهی دائمی که یک سر این رشته ممکن است در حال پوسیدن باشد.



عکس: Aljazeera

جمنایت به روایت اعداد

گرسنگی دادن به مردم غزه سیاست عامدانه دولت اسرائیل است

می‌تواند غذا دریافت کند.

درحالی‌که تعداد افرادی که بر اثر گرسنگی در غزه جان خود را از دست می‌دهند در اواخر جولای به بیش از ۱۵۰ نفر (تنها در یک روز) رسیده، مقام‌های اسرائیلی هرگونه قحطی و مرگ بر اثر گرسنگی ناشی از عدم دسترسی به مواد غذایی را رد می‌کنند و تلاش می‌کنند تا بدون ارائه مستندات و شواهد قابل قبول، تقصیر بروز مشکل عدم دسترسی مردم غزه به غذا را بر گردن حماس بیندازند و این گروه را به «دزدیدن محموله‌های غذایی» متهم کنند.

دیوید منسر، سخنگوی دولت اسرائیل روز ۲۴ جولای در گفت‌وگویی تلویزیونی با شبکه انگلیسی اسکای نیوز در این باره گفت: «در غزه قحطی غذا وجود ندارد، قحطی حقیقت وجود دارد.» اورن مارمشتاین، سخنگوی وزارت امور خارجه اسرائیل هم مدعی شد که ادعای وجود قحطی و سوءتغذیه در غزه براساخته وزارت بهداشت غزه و برخی از عناصر سازمان ملل متحد است و این موضوع را «اغراق شده و غیرقابل اعتنا» توصیف کرد.

ارتش اسرائیل هم طی دو سال گذشته مرتباً این ادعا را تکرار می‌کرد که حماس کمک‌های بشردوستانه ارسال‌شده به غزه را می‌دزد و مانع از دسترسی ساکنان غزه به این کمک‌ها می‌شود. ارتش اسرائیل دو هفته قبل نیز در بیانیه‌ای که در پاسخ به یک گزارش نیویورک‌تایمز صادر شد، اعلام کرد: «این موضوع به طور کامل مستندسازی شده است که حماس به طور روتین کمک‌های بشردوستانه را می‌دزد تا از آن‌ها برای اهداف تروریستی استفاده کند.» اسرائیلی‌ها تاکنون مدارکی را برای اثبات ادعای خود ارائه نکردند. همچنین نتایج یک پژوهش در درون دولت آمریکا که اولین بار روز ۲۵ جولای توسط رویترز منتشر شد نشان می‌دهد که ایالات متحده هیچ نشانه‌ای از درزیده شدن کمک‌های ارسال‌شده از سوی آمریکا توسط حماس نیافته است. بر اساس این پژوهش که توسط آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا انجام شده تاکنون به صورت رسمی منتشر نشده است. به نوشته رویترز، این پژوهش ۱۵۶ صفحه‌ای در بازه زمانی اکتبر ۲۰۲۳ تا مه ۲۰۲۵ صورت گرفته و در آن تأکید شده «هیچ گزارش تأییدشده‌ای که از سود بردن حماس از کمک‌های آمریکا حکایت داشته باشد وجود ندارد.»

مقام‌های رسمی آمریکا در اظهارنظرهای علنی وجود این گزارش را رد می‌کنند. حتی یکی از سخنگویان کاخ سفید در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره این موضوع گفت که «ویدئویی از غارت کمک‌ها توسط حماس وجود دارد» با این حال به‌رغم اصرار خبرنگاران حاضر نشد بگوید این ویدئو کجاست و چرا تاکنون کسی آن را ندیده است. اسرائیلی‌ها وجود «بنیاد بشردوستانه غزه» (GHF) و توزیع روزانه غذا در مراکز این بنیاد را دلیلی برای عدم وجود قحطی و گرسنگی در غزه می‌دانند اما فارغ از خشونت بی‌پایان، کشتار جستجوگران غذا و عدم ارائه غذا به تمام متقاضیان در این مراکز که به تفصیل در گزارش «غزه غذا ندارد» روزنامه هم‌میهن به آن پرداخته شد، اعداد

هر فلسطینی در نوار

غزه روزانه به ۲۲۷۹

کالری نیاز دارد که

این مقدار کالری از

۱/۸۳۶ کیلوگرم غذا

تأمین می‌شود. قحطی

امروز در نوار غزه، در

شرایطی رخ می‌دهد که

سازمان‌های بین‌المللی

و فعالان حقوق بشری

درگیر در ماجرا،

خواستار همکاری

اسرائیل برای ورود

حجم بسیار کمتری

مواد غذایی برای تأمین

نیاز ماهانه مردم غزه

شده‌اند. آن‌ها از دولت

اسرائیل خواسته‌اند تا

اجازه ورود ۶۲ هزار تن

(۶۲ میلیون کیلوگرم)

مواد غذایی را به غزه

صادر کند



محمدحسین لطفاله‌ی

خبرنگار بین‌الملل

گرسنگی و قحطی در غزه دلایل واضح و آشکاری دارد؛ ساکنان غزه راهی برای خروج از این منطقه ندارند، جنگ امکان کشاورزی را از آن‌ها سلب کرده و سربازان اسرائیلی اجازه ماهی‌گیری به مردم نمی‌دهند. این یعنی تمام نیاز مردم غزه به آب و مواد غذایی باید از طریق واردات تأمین شود و زمانی که جلوی ورود مواد غذایی و آب سالم از سوی اسرائیلی‌ها گرفته می‌شود، آنچه اتفاق می‌افتد یک قحطی عمدی گسترده و گرسنگی دادن (Starvation) به ۲/۱ میلیون نفر جمعیت منطقه‌ای است که بخش اعظم آن‌ها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. اسرائیل به خوبی می‌داند که مردم در غزه به چه میزان مواد غذایی نیاز دارند تا فقط بتوانند زنده بمانند. با این حال طی دهه‌های گذشته به عمد ورود محموله‌های مواد غذایی به این باریکه را به گونه‌ای مدیریت می‌کرد که تأمین مایحتاج روزانه برای ساکنان غزه همواره یک چالش بزرگ باشد. مدارک و مستندات زیادی در این باره وجود دارد. ۱۹ سال قبل، در سال ۲۰۰۶، داو ویزگلِس، از مشاوران ارشد ایهود اولمرت، نخست‌وزیر وقت اسرائیل ایده خطرناکی را مطرح کرد. او طی طرحی را پیشنهاد داد که بر اساس آن به مردم غزه یک رژیم غذایی اجباری تحمیل شود؛ به‌طوری‌که کاری بیشتر از نیاز خود دریافت نکنند اما هم‌زمان از گرسنگی نمرزند. ۶ سال بعد از آن، دادگاهی در اسرائیل به درخواست یک سازمان حقوق بشری دستور داد اسنادی را که ثابت می‌کرد وزارت بهداشت اسرائیل در سال ۲۰۰۸ اقدام به محاسبه کالری نیاز مردم غزه کرد و این ساکنان غزه کرده و نتایج تحقیقات خود را در اختیار مسئولان ارشد قرار داده بود تا ورود مواد غذایی به این منطقه فقط به مقدار مورد نیاز محدود شود، منتشر کنند.

در آن زمان، نهاد هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دولت در اسرائیل یا (COGAT) که در حال حاضر نیز کنترل ورود مواد غذایی و کمک‌های بشردوستانه در غزه را بر عهده دارد، به این نتیجه رسیده بود که هر فلسطینی در نوار غزه روزانه به ۲۲۷۹ کالری نیاز دارد که این مقدار کالری از ۱/۸۳۶ کیلوگرم غذا تأمین می‌شود.

قحطی امروز در نوار غزه، در شرایطی رخ می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی و فعالان حقوق بشری درگیر در ماجرا، خواستار همکاری اسرائیل برای ورود حجم بسیار کمتری مواد غذایی برای تأمین نیاز ماهانه مردم غزه شده‌اند. آن‌ها از دولت اسرائیل خواسته‌اند تا اجازه ورود ۶۲ هزار تن (۶۲ میلیون کیلوگرم) مواد غذایی را به غزه صادر کند. با توجه به جمعیت ۲/۱ میلیون نفری غزه، ورود ۶۲ میلیون کیلوگرم مواد غذایی برای مصرف یک ماه به معنای آن است که هر نفر در ماه ۲۹/۵ کیلوگرم و در روز کمتر از ۱ کیلوگرم (۹۸۴ گرم)